**مقام نماز در اسلام**

**نویسنده:**

**محمد صبور البخاری**

|  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| **عنوان کتاب:** | مقام نماز در اسلام | | | |
| **تالیف:** | محمد صبور البخاری | | | |
| **موضوع:** | احکام عبادات (نماز، روزه، زکات و حج) | | | |
| **نوبت انتشار:** | اول (دیجیتال) | | | |
| **تاریخ انتشار:** | خرداد (جوزا) 1395شمسی، شعبان 1437 هجری | | | |
| **منبع:** | سایت عقیده [www.aqeedeh.com](http://www.aqeedeh.com) | | | |
|  |  | | | |
| **این کتاب از سایت کتابخانۀ عقیده دانلود شده است.**  **www.aqeedeh.com** | | | |  |
| **ایمیل:** | **book@aqeedeh.com** | | | |
| **سایت‌های مجموعۀ موحدین** | | | | |
| www.mowahedin.com  www.videofarsi.com  www.zekr.tv  www.mowahed.com | |  | www.aqeedeh.com  www.islamtxt.com  [www.shabnam.cc](http://www.shabnam.cc)  www.sadaislam.com | |
|  | |  | | |
|  | | | | |
| contact@mowahedin.com | | | | |

بسم الله الرحمن الرحیم

فهرست مطالب

[مقام نماز در اسلام 3](#_Toc329851957)

[معرفت نماز و فرضيت آن 3](#_Toc329851958)

[تاريخ فرض شدن نماز و اهميت آن در حيات شخصى و اجتماعى 4](#_Toc329851959)

[منفعت‌هاى اخروى نماز 5](#_Toc329851960)

[عاقبت سستى در نماز 7](#_Toc329851961)

[حكم بى‌نماز نزد امامان اهل سنت و جماعت 9](#_Toc329851962)

[نماز مطلوب 9](#_Toc329851963)

مقام نماز در اسلام

 در اين رساله معرفت نماز، اهميت آن درحيات فردى و اجتماعى مسلمان، حكم آن، اجر ثواب گذاردنش، گناه و عذاب بي‌نمازى و ديگر مسائل مربوط به نماز انشاءالله بيان مى‌گردد.

معرفت نماز و فرضيت آن

 معناى لغوى نماز دعاى خير مى‌باشد چنانى الله سبحانه و تعالى پيغمبرش را مى‌فرمايد: ﴿وَصَلِّ عَلَيۡهِمۡۖ إِنَّ صَلَوٰتَكَ سَكَنٞ لَّهُمۡ﴾ [التوبة: 103]. «صلات فريست بر آنان، (يعنى درحقشان دعاى خير نما). به درستى دعاى خير تو برايشان باعث وقار، و بردبارى است». اما در شريعت نماز آن گفتنى‌ها وكردنی‌هاى را گويند، كه الله تعالى آن را فرموده وپيغمبرش طريقةادايش را تعليم داده است. آن با تكبيريعنى: الله اكبر شروع گردد و با تسليم يعنى سلام دادن خاتمه پذيرد. فرض بودن نماز به امر الله تعالى وبا فرموده‌هاى پيغمبرص و به اجماع واتفاق امت اسلامى ثابت گرديده است. در قرآن كريم الله تعالى چنين دستور مى‌دهد: ﴿فَأَقِيمُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتُواْ ٱلزَّكَوٰةَ وَٱعۡتَصِمُواْ بِٱللَّهِ هُوَ مَوۡلَىٰكُمۡۖ فَنِعۡمَ ٱلۡمَوۡلَىٰ وَنِعۡمَ ٱلنَّصِيرُ﴾ [الحج: 78]. «پس بر پا داريد نماز را و بدهيد زكات را و چنگ بزنيد به الله: (يعنى از وى مدد بخواهيد و به وى توكل نماييد يعنى به مددش اعتماد كنيد) الله سبحانه وتعالى مددگار شما است». او بسيار مددگارنيك و يارى كنندةخوبى است.) در جاى ديگر مى‌فرمايد: ﴿إِنَّ ٱلصَّلَوٰةَ كَانَتۡ عَلَى ٱلۡمُؤۡمِنِينَ كِتَٰبٗا مَّوۡقُوتٗا﴾ [النساء: 103]. ترجمه: «نماز بر مؤمنان فرضى است، كه وقتش معين كرده شده مى‌باشد». اما رسول اللهص چنين فرموده‌اند: «بُنِيَ الإِسْلامُ عَلَى خَمْسٍ: شَهَادَةِ أَنْ لا إِلَهَ إِلا اللَّهُ، وَإِقَامِ الصَّلاةِ، وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ، وَصَوْمِ رَمَضَانَ، وَحَجِّ الْبَيْتِ من استطاع إليه»[[1]](#footnote-1). ترجمه: «بنياد اسلام عبارت ازپنج چيز است: شهادت دادن به اين، كه به غير از الله تعالى ديگر هيچ خداى وجود ندارد. و اينكه محمدص بنده و فرستاده او است. و برپا داشتن نماز و دادن زكات و روزه داشتن ماه رمضان و خانه الله تعالى را حج كردن از براى كسى،كه قدرت آنجا رفتن را داشته باشد».

تاريخ فرض شدن نماز و اهميت آن در حيات شخصى و اجتماعى

 اهل سيرت بر اين‌اند، كه نماز درشب معراج رسول اكرمص به نزد پروردگار فرض گرديده است. تاريخ آن را تقريبا پنج سال قبل از هجرت مى‌گويند، كه اين به بيست وهفتم ماه رمضان سال616 ميلادي: يعنى به سال هشتم آشكار شدن نبوت محمدص برابر مى‌آيد. حكمت در فرضيت بودن نماز اين است، كه علاقة بنده را با پروردگارش مستحكم مى‌كند و او بسبب ادا كردن نماز خالق مهربانش را شكر سپاس مى‌گويد. اين عمل سبب راضايت پروردگار شده او تعالى اين بندة شگر گذارش را از نعمت‌هاى دنيوى و اخرويش بهرور مى‌سازد.

در نتيجه بنده سعادت مندى دو عالم را نايل گرديده از بد بختى دنيا و آخرت رهاى مى‌يابد. الله سبحانه و تعالى مى‌فرمايد: ﴿لَئِن شَكَرۡتُمۡ لَأَزِيدَنَّكُمۡۖ وَلَئِن كَفَرۡتُمۡ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٞ﴾ [ابراهیم: 7]. يعنى: «اگر شكر گذار گرديديد البته نعمت‌هايم را به شما افزون خواهم كرد». و اگر ناسپاسى كرديد پس بدانيد عذاب من بسيار سخت مى‌باشد. اما آن منفعتهاى شخصى، كه نماز گذار به سبب خواندن نماز كسب مى‌كند اين است، كه اگر آن را با اخلاص بخواند هميشه در بالاى خود الله سبحانه وتعالى را نظارت كننده مى‌بيند. در نتيجه خوف مى‌برد، كه به كار نارواى دست بزند و لجام نفس سركش را به جانب كارهاى خير مى‌گرداند از جانب خود الله تعالى او را براى انجام دادن كارهاى نيك قوت مى‌دهد و براه راست هدايتش مى‌كند. چنانى او تعالى مى‌فرمايد: ﴿وَأَقِمِ ٱلصَّلَوٰةَۖ إِنَّ ٱلصَّلَوٰةَ تَنۡهَىٰ عَنِ ٱلۡفَحۡشَآءِ وَٱلۡمُنكَرِ﴾ [العنکبوت: 45]. يعنى: «و برپا بدار نماز را! بدرستى نماز از كارهاى بى‌حيايى وناپسند منع مى‌نمايد». در بعضى روايتها باسند مرفوع وموقوف چنين آمده است: «من لم تنهه صلاته عن الفحشاء والـمنكر لم تزده من الله إلا بعدا وفي رواية فلا صلاة له»[[2]](#footnote-2). «هر كه را نمازش از كارهاى بى‌حيايى و ناپسند منع ننمايد او را از الله تعالى به جز دورى ديگر چيزى نتيجه نباشد. و در روايتى چنين آمده، كه نمازش درست نشود». چون مسلمان عاقل و مخلص هميشه مى‌كوشد تا هيچ كار بدى را انجام ندهد تا نمازش نزد خداوند نامقبول نشود. زيرا او خوب مى‌داند، كه الله تعالى نماز راسبب نجات او گردانيده است وگر نه الله تعالى هيچ احتياجى به نماز وى ندارد. خواندن نماز چيزى را در ذات وصفات الله تعالى زياد نه كند و نخواندنش چيزى را از او كم نكند. اما فايده‌هاى اجتماعى نماز بسيار بزرگ‌اند. آن جامعة، كه افراد آن واقعا نماز گذار باشند هرگز به كارهاى بد دست نزنند. درچنين جامعه فضاى دوستى ومحبت واتحاد و برادرى حكم فرما خواهد بود، و افراد آن در امنيت و بركت حيات بسر خواهند برد. چون همگى در صف نماز استاده مى‌شوند آن صفى است، كه شاه و گدا در يك قطار مى‌استند و هرروز چند مراتبه همديگررا مى‌بينند و از احوال همديگر باخبر مى‌شوند.آنچنان كه گفتيم يك شمه اى از منفعتهاى بزرگ نماز در اين عالم فانى است، اما در موضوع منفعتهاى اخروى آن ان شاالله سخن خواهيم راند.

منفعت‌هاى اخروى نماز

 اين منفعتها دو قسم مى‌باشند: 1- بخشش گناهان 2- نايل گرديدن به نعمتهاى فراوان وبى انتهاى الله سبحانه وتعالى. اما قسم اول اين منفعت‌ها چنانى گفتيم بخشش گناهان است، كه در اين موضوع رسول اكرمص مى‌فرمايد: «الصَّلَوَاتُ الْخَمْسُ ، وَالْجُمُعَةُ إِلَى الْجُمُعَةِ كَفَّارَاتٌ لِمَا بَيْنَهُنَّ ، مَا لَمْ تُغْشَ الْكَبَائِر»[[3]](#footnote-3). «گذاريدن پنچ وقت نماز و از جمعه تا نماز جمعة ديگر و رمضان تا رمضان ديگر اين همه جبران كننده‌هاى مى‌باشند»، گناهان در بين اداى يك نماز تا اداى نماز ديگر يا بين رمضان يك سال تا رمضان سال ديگر محو و نيست مى‌سازند. به شرط اين، كه گناهان كبيره، مثل قتل به ناحق، زنا و غير صادر نكرده باشد. در حديث ديگر رسول اكرمص مى‌فرمايد: «أريتم لو أن نهرا بباب أحمد كم يغتسل فيه يوم خمسا هل يبقى من درنه شيئ؟ قالوا لا يبقى من درنه شيئ قال: فذاك مثل الصلوات الخمس يمحوا الله بهن الخطايا»[[4]](#footnote-4). يعنى: «بگوييد، كه اگر يك نهر آبى از نزد دروازة هر يكى از شما جارى باشد و او در آن هرروز پنچ مراتبه بدنش را بشويد، آيا چركى در بدنش باقى مى‌ماند؟ اصحاب كرام گفتند: چركى در وى باقى نخواهد ماند. رسول اكرمص فرمود: اين بگذاريدن پنج وقت نماز شباهت دارد، كه به سبب آن الله تعالى گناهان را محو مى‌گرداند». مفهوم اين حديث شريف اين است، كه نماز در يك روز پنچ مراتب از گناه پاك مى‌سازد. عبدالله ابن مسعود روايت كند، كه مردى گناهى صادر كرد. به اين طريقه، كه زنى را بوسه كرد. بعد اين نزد رسول اللهص آمده از گناه كرده اش خبرداد. در اين حال الله تعالى آيت: ﴿وَأَقِمِ ٱلصَّلَوٰةَ طَرَفَيِ ٱلنَّهَارِ وَزُلَفٗا مِّنَ ٱلَّيۡلِۚ إِنَّ ٱلۡحَسَنَٰتِ يُذۡهِبۡنَ ٱلسَّيِّ‍َٔاتِ﴾ [هود: 114]. يغنى: «برپا دار نماز را در دو طرف روز و ساعتى چند شبانه به درستى عبادتها گناهان را دور مى‌سازند». بعد نزول اين آيت آن مرد از رسول الله صپرسيد: اين بخشش به گذاريدن نماز تنها براى من است يا براى همه؟ رسول اللهص گفتند: براى همة امت من مى‌باشد. اما قسم دوم منفعتهاى أخروى اين نايل شدن به نعمتهاى پروردگار است. رسول اللهص مى‌فرمايد: «صلوا خمسكم، وصوموا شهركم، وأدوا زكاة أموالكم، وأطيعوا ذا أمركم تدخلوا جنة ربكم»[[5]](#footnote-5). يعنى «پنج وقت نمازتان را بگذاريد وماه رمضانتان را روزه بداريد و زكات مالهايتان را ادا كنيد و امير خود را اطاعت نماييد. به بهشت پروردگارتان مى‌دراييد». درحديث ديگرى امده است: «مَا مِنْ مُسْلِمٍ يَتَوَضَّأُ فَيُحْسِنُ الْوُضُوءَ ثُمَّ يَقُومُ فَيُصَلِّى رَكْعَتَيْنِ ، فَيُقْبِلُ عَلَيْهِمَا بِقَلْبِهِ وَوَجْهِهِ إِلاَّ وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ»[[6]](#footnote-6). يعنى: «هر مسلمانى، كه طهارت را نيك انجام بدهد، سپس دو ركعت نماز بخواند، البته به فضل كرم الله تعالى به جنت درايد». اما آن نعمت‌هاى بى‌بها و جاودانى جنت آنچنان بزرگ و گوارايند، كه كسى آن را نديده و نشنيده است. از الله تعالى دعا مى‌كنيم، كه همة نماز گذاران را از آن بانصيب بگرداند.

عاقبت سستى در نماز

 الله سبحنه وتعالى مى‌فرمايد: ﴿فَوَيۡلٞ لِّلۡمُصَلِّينَ ٤ ٱلَّذِينَ هُمۡ عَن صَلَاتِهِمۡ سَاهُونَ ٥﴾ [الماعون: 4-5]. يعنى: «واى بر حال آن نماز گذارانى، كه در گذاريدن نمازهايشان سستى مى‌نمايند». در اين آيت كريمه الله تعالى آن اشخاصى را، كه به نماز خواندن پابند نيستند و آن را به طور درست نمى‌خوانند، تهديد و عذاب دوزخ كرده‌اند. اين چنين در جاى ديگرى از احوال دوزخيان چنين خبر مى‌دهد: ﴿مَا سَلَكَكُمۡ فِي سَقَرَ ٤٢ قَالُواْ لَمۡ نَكُ مِنَ ٱلۡمُصَلِّينَ ٤٣﴾ [المدثر: 42-43]. يعنى: «ازدوزخيان مى‌پرسند: چه چيز شمارا به دوزخ دراورد؟ آنان در جواب مى‌گويند: ما ازجملة نمازگذاران نبوديم». رسول اكرمص مى‌فرمايند:

«بَيْنَ الْعَبْدِ وَبَيْنَ الْكُفْرِ تَرْكُ الصَّلاَةِ»[[7]](#footnote-7). يعنى: «در بين بنده و بين كفر امر فرق گذارنده ترك نماز است»، از اين حديث شريف دانسته مى‌شود: كه رفتار بى‌نماز به رفتار كافر مانند مى‌باشد: اين نماز است كه در ظاهر مسلمان را از كافر فرق مى‌كند. اين معنا را رسول اكرمص در حيث ديگرى چنين بيان كرده است: «من استقبل قبلتنا وصلى صلاتنا وأكل ذبيحتنا فهو الـمسلم»[[8]](#footnote-8).

يعنى: «هركه هنگام نماز رو به قبلة ما بگرداند ومثل ما نماز بخواند و از گوشت (ذبيحه) ما بخورد پس وى مسلمان مى‌باشد».

در اين حديث شريف رسول اللهص يكى از علامت‌هاى شناختن مسلمان مثل ما نماز خواندن را كفته‌اند.

در آنچه گذشت دو چيز ثابت مى‌گردد، اول اين، كه مسلمان را با نماز خواندن شناخته مى‌شود ديگر اين كه بى نماز دوزخى است. اين معنا را رسول الله ص چنين بيان كرده است:

«مَنْ حَافَظَ عَلَيْهَا كَانَتْ لَهُ نُوراً وَبُرْهَاناً وَنَجَاةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَمَنْ لَمْ يُحَافِظْ عَلَيْهَا لَمْ يَكُنْ لَهُ نُورٌ وَلاَ بُرْهَانٌ وَلاَ نَجَاةٌ وَكَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَعَ قَارُونَ وَفِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَأُبَىِّ بْنِ خَلَفٍ»[[9]](#footnote-9).

يعنى: «هركه به اين پنج وقت نماز پابندى نمايد برايش فرداى قيامت نور و برهان و نجات خواهد بود. كسى به آن پابند نباشد برايش نه نور است و نه برهان ونه نجات . او همراه قارون، فرعون‌، هامان و ابى پسر خلف در دوزخ خواهد بود. از اين حديث شريف ظاهر مى‌گردد، كه بى نمازهمراه اين بدبخت ترين كافران در سوخت و گداز بى‌نمازى خواهد بود. پس كسى ايمان به الله تعالى و به روز قيامت دارد بايد هرگز نماز را ترك نكند». از همين جهت امام ترمذى از عبد الله ابن شكيك روايت مى‌كند كه گفت:

«كَانَ أصْحَابُ محَمَّدٍ لا يَرَوْنَ شَيْئاً مِنَ الأعْمَالِ تَرْكُهُ كُفْرٌ غَيْرَ الصَّلاَةِ»[[10]](#footnote-10).

«اصحابِ پيامبر الله تعالى ترك هيچ عملى را جز ترك نماز كفر نمى‌دانستند».

حكم بى‌نماز نزد امامان اهل سنت و جماعت

 بايد بدانى برادر مسلمان‌، كه بى‌نمازان در حقيقت دو طايفه‌اند: طايفة اول آن بى‌نمازان و فاسقانى‌اند كه از جهت تنبلى و سستى نماز را ترك كرده‌اند. اما قسم دوم آن اشخاصى‌اند كه فرضيت نماز را اعتراف ندارند و يا خواندن آن را ضرور نمى‌دانند.

اما حكم طايفة اول.

حنفى مذهبان كسى را كه نمازرا از جهت تنبلى و سستى ترك مى‌كنند فاسق مى‌نامند و او را به زندان كردن تا نماز خوان شدنش و درة سخت زدن تا كه از بدنش خون جارى شود حكم كرده‌اند، اگر توبه نكند تا مرگ بايد زندانى شود. لكن تا زمانى كه فرضيت نماز را انكار نكند يا آنرا ناچيز نداند حكم به كفر كرده نمى‌شود و كشته نگردد.

اما در نزد شافعى ومالكى وحنبلى مذهبان اورا مثل مرتد تا سه روز مهلت داده مى‌شود. اگر در اين مدت توبه كند و نماز بخواند رها كرده مى‌شود و اگر توبه نكند به جزا كشته خواهد شد.

از بين اين چهار إمام تنها درنزدإمام احمد او را همچون كافر كشته مى‌شود .

اما طايفة دوم: يعنى كسانى كه نماز را منكر ميباشند نزد إمامان چهار مذهب حكم به كفر شده و جزايشان اعدام است.

نماز مطلوب

 الله سبحانه و تعالى مى‌فرمايد:

﴿قَدۡ أَفۡلَحَ ٱلۡمُؤۡمِنُونَ ١ ٱلَّذِينَ هُمۡ فِي صَلَاتِهِمۡ خَٰشِعُونَ ٢﴾ [المؤمنون: 1-2].

يعنى: «بتحقيق نجات يافتند مؤمنان‌، آنانى كه در نماز‌هايشان فروتنى كنند». از اين آيت كريمه دانسته مى‌شود،كه آن مؤمنان نماز خوان كامياب مى‌گردند و نجات مى‌يابند كه نماز‌هاى خودرا با هوش يعنى با فروتنى و گريه و زارى خاص از براى الله تعالى مى‌خوانند. از همين رو با شتاب نماز خواندن، ركوع و سجده و قيام و جلسه را درست انجام ندادن براى قبول شدن نماز و سبب نجات گشتن آن ضررهاى جديى را به بار مى‌آورد. آن نمازى كه باشتاب خوانده شود و سنت‌هاى آن بجاى آورده نشود خود رسول اللهص در باره‌اش مى‌فرمايد:

«أذكرِ الـموتَ فى صلاتِك فإنَّ الرجلَ إذا ذكر الـموتَ فى صلاتِهِ فَحَرِىٌّ أن يحسنَ صلاتَه وصلِّ صلاةَ رجلٍ لا يظن أنه يصلى صلاةً غيرَها وإياك وكلَّ أمرٍ يعتذرُ منه»[[11]](#footnote-11).

يعنى: «هنگام نمازت مرگ را به ياد آور. به راستى كسى مرگ را در نماز به ياد آرد البته سزاوار اين است كه نمازش را نيك بسازد. نمازت را مثل مردى بگذار كه گمان ندارد كه باز زنده بماند و ديگر بار نماز بخواند. از هر كارى كه عاقبت آن پشيمانى است خودرا نگاه‌دار». در جاى ديگرى مى‌فرمايد: «صل مودعا كأنك تراه فأنه يراك»[[12]](#footnote-12).

يعنى: «آنچنين به آرامى و بردبارى نماز بگذار كه گويا الله تعالى را بالاى خود نظر كننده مى‌بينى. اگر واقعا تو الله تعالى را نبينى او تعالى تورا مى‌بيند».

در حديث ديگرى رسول اللهص مى‌فرمايد:

«أسرق الناس الذى يسرق صلاته لا يتم ركوعها ولا سجودها وأبخل الناس من بخل بالسلام»[[13]](#footnote-13).

يعنى: «دزدترين مردم آن كسى است كه نماز خود را ميدزد. پرسيدند يا فرستادة الله تعالى چگونه نماز خودرا دزدى ميكند؟ گفت:به اين طرز كه ركوع و سجود خودرا پوره نمى‌كند. يعنى آن را باشتاب انجام مى‌دهد. بخيل‌ترين مردم كسى است كه در سلام دادن بخل كند».

در حديث ديگرى مى‌فرمايد:

«يرفع من هذه الأمة الخشوع حتى لا ترى فيها خاشعاً»[[14]](#footnote-14).

يعنى: «اولين كار خير كه از بين اين امت برداشته مى‌شود اين خشوع يعنى خاك سارى و فروتنى است كه حتي در بينشان هيج خاك سارى را ديده نمى‌شود».

مادر مؤمنان عايشهل نمازگذارى رسول اللهص راچنين صفت مى‌كند:

«كانَ رَسُولُ اللَّهِ يَبِيتُ، فَيُنَادِيهِ بِلالٌ بِالأَذَانِ، فَيَقُومُ فَيَغْتَسِلُ، فَإِنِّي لأَرَى الْمَاءَ يَنْحَدِرُ عَلَى جِلْدِهِ وَشَعَرِهِ، ثُمَّ يَخْرُجُ فَيُصَلِّي فَأَسْمَعُ بُكَاءَهُ»[[15]](#footnote-15).

يعنى: «رسول الله خواب مى‌رفتند پس اورا بلال به اذانش ندا مى‌كرد. بعد اين از جايش بر ميخواست و وضؤ مى‌كرد، مى‌ديدم، كه آب رويش قطره\_قطره مى‌چكيد سپس به مسجد مى‌رفت ونماز ميخواند و من آواز گريه‌اش را مي‌شنيدم. باوجود اينكه محمدص پيغمبر الله تعالى است و او تعالى تمام گناهانش را بخشيده است باز هم فروتنى مى‌كرد. اوص بنده بودن خود را اعلان مى‌نمود و از خوف عذاب الله تعالى گريه مى‌كرد. چنين نماز آن نمازى است كه در شريعت مطلوب بوده با فضل و كرم الله تعالى باعث نجات ما خواهد شد».

دعا مى‌كنيم كه الله تعالى ما را نماز خوان واقعى بگرداند.

آمين يا رب العالـمين وصلى الله تعالى على نبينا محمد وعلى آله وأصحابه أجمعين.

1. - متفق علیه. [↑](#footnote-ref-1)
2. - رواه الطبراني وغيره مر فوعا وموقوفا. [↑](#footnote-ref-2)
3. - رواه مسلم. [↑](#footnote-ref-3)
4. - متفق علیه. [↑](#footnote-ref-4)
5. - رواه أحمد والترمذي وقال حسن صحيح. [↑](#footnote-ref-5)
6. - رواه مسلم. [↑](#footnote-ref-6)
7. - رواه مسلم. [↑](#footnote-ref-7)
8. - رواه شيخان و غيرهما. [↑](#footnote-ref-8)
9. - رواه أحمد والدارمي والبيهقي والطبراني وابن حبان وقال الـمنذري: إسناد أحمد جيد كما في الـمرقاة. [↑](#footnote-ref-9)
10. - رواه الترمذی. [↑](#footnote-ref-10)
11. - رواه الديلمي وحسنه ابن حجر. [↑](#footnote-ref-11)
12. - رواه الإبراهيمي وا بن النجار فهو حسن لغيره. [↑](#footnote-ref-12)
13. - رواه الطبراني والحاكم وصححه الـمنذري والألباني. [↑](#footnote-ref-13)
14. - رواه الطبراني وحسنه الهيثمي. [↑](#footnote-ref-14)
15. - رواه أبو يعلى ورجاله رجال الصحيح. [↑](#footnote-ref-15)